

# نقد، بررسی و طبقه‌بندی اسناد و مدارک بنامی تاریخی کنگاور (۱)

## نادر کریمیان سردشتی

نظریات خود دست یازیده و استناد کرده‌اند. نگارنده که شیوه‌های کار این پژوهشگران و صاحب نظران و باستان‌شناسان را ملاحظه نمود احساس کردم اسباب و عللی موجب این همه آشفتگی در آراء و نظریات شده و لازم است از این همه آراء گوناگون پندگرفت و پس از درک صحیح آنها به نقد و بررسی و طبقه‌بندی آنها پرداخت و حدود مرزهای مطالعاتی آنها را باز شناخت. از نتایج بدست آمده می‌توان به موارد زیر که هر کدام موجب قلب حقایق می‌شود و دوری از آنها شایسته و بایسته هر محقق با انصافی است اشاره کرد:

(۱) از حدس مبهم و غیر قابل اثبات و برداشتهای عجولانه نباید استفاده کرد.

(۲) نظریات غیر قابل دفاع و بی اساس و توجیه‌ناپذیر نه تنها سودی ندارند، بلکه زیانبخش نیز هستند و باعث گمراهی پژوهشگران خواهد شد.

(۳) در مقایسه هر اثر معماری با سایر آثار و بناها نمی‌توان به طور قطع به تاریخ‌گذاری پرداخت.

(۴) بر اساس اسناد و مدارک محدود و کمیاب نمی‌توان نظریاتی را به دیگران تحمیل کرد و نتیجه قطعی و تمام شده گرفت.

(۵) به طور کلی از پیشداوری و نقد بدون مدرک آراء دیگران و محکوم کردن ادله و نظریات اجتناب باید کرد. به هر روی شالوده‌نظریات علمی حد و مرزی دارد که باید به رعایت اصول و ضوابط آن پایبند بود، و لذا در خصوص اثر تاریخی کنگاور آمیزه‌ای از احتیاط و جسارت ضرورت دارد که انسان ابراز نظر نماید در همان حال مرز و حدود خود را نیز بشناسد و اجازه ندهد یا فراتر نهد. نگارنده بر این باور است که موفقیت‌های به دست آمده در کاوش و بازسازی اثر تاریخی کنگاور حکم محرک و ایجاد انگیزه‌های مفیدی را برای مقدمات نظریات علمی خواهند داشت و با رعایت حد و مرزهای علوم گوناگون که در تبیین این اثر به کمک گرفته می‌شوند، فرضیه‌های ما را به صحت و درستی نزدیکتر می‌کند و آرایه یک شناسنامه دقیق تاریخی - فرهنگی برای این اثر را امکان‌پذیر می‌سازد، لذا در آرایه نظریات همواره باید از افراط و تفریط و مبالغه خود داری ورزید. باید راه به فردا موکول گردن کار را آموخت و به آینده اعتماد کرد. در طی سی سال اخیر تا امروزه، پیشرفتهای گسترده‌ای در شیوه‌ها و متدهای بررسی یک اثر

تهیه شناسنامه تاریخی - فرهنگی یک اثر باستانی به چگونگی جمع آوری اسناد و مدارک و ماهیت و خصوصیات این اسناد بستگی دارد. از سال ۱۳۷۴ رسماً یک هیأت باستان‌شناسی مأمور کاوش و بررسی و بازسازی اثر تاریخی کنگاور - که به معبد آناهیتا شهرت دارد - می‌شود و آقای "سیف الله کامبخش فرد" طی هفت فصل کاوش باستان‌شناسی و دو فصل بازسازی (مجموعاً ۴۸ ماه معادل چهار سال شمسی) به امر کاوش و بازسازی این اثر می‌پردازد. در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ آقای "دکتر مسعود آذرنوش" کار هیأت قبلی را در خط الرأس تپه ادامه می‌دهد و به نتایجی نیز دست می‌یابد. در سال ۱۳۶۵ آقای "علی ولی نوری" یک فصل در کنگاور به کاوش می‌پردازد. "غلامعلی علیپور" و "حق بیان" مرمتگران بنگاه علمی تخت جمشید از سال ۱۳۶۴ نسبت به مرمت و برپایی مانده‌های دیوار شمال غربی اقدام و تداوم فعالیت آنها با انجام دور جدید کاوشهای باستان‌شناسی به طور مستمر ادامه می‌یابد.

در سال ۱۳۶۷ (مرحله جدید باستان‌شناسی) توسط آقایان "احمد کبیری" و "محمد مهریار" و "عادل فرهنگی" کار کاوش و پژوهش و مرمت اثر تاریخی کنگاور تا سال ۱۳۷۱ش ادامه می‌یابد. در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۱، فعالیت‌های کاوش متوقف می‌شود. سال ۱۳۷۳ کاوشهای باستان‌شناسی توسط آقای "فائق توحیدی" پی گرفته می‌شود. در سال ۱۳۷۴ مجدداً آقای کبیری کار کاوش و مرمت و پژوهش این اثر تاریخی را ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ فعالیت‌های باستان‌شناسی تعطیل و متوقف می‌گردد. مجدداً در سال ۱۳۷۷ به مدت کوتاهی کاوشهای باستان‌شناسی انجام می‌گیرد.

حاصل گزارش‌های باستان‌شناسی در این مراحل و فصول با هم متفاوت و متعارض و متناقض است. علاوه بر این، نظریات سفر نامه نویسان، مورخان و باستان‌شناسان اروپایی و روسی و نیز گزارش‌های متون تاریخی - جغرافیایی دوره اسلامی هم در خصوص این اثر تاریخی گوناگون و مختلف است. نگارنده هنگامی که به نتایج مطالعات همه باستان‌شناسان، مورخان و صاحب نظران، آگاه و آشنا شدم، اختلافات شدیدی را در نتایج مطالعات و پژوهش‌های آنها مشاهده کردم که هر کدام روش خاصی را دنبال نموده و به اسناد و مدارک ویژه‌ای برای تبیین

کدام از روشها و متدهای پژوهش به مقدمات تفصیلی نیاز است که در ضمن اجرا و انجام این روشها بدست می آید. طی اجرای این روشها به کار گروهی نیاز شدید است. پس از فراهم نمودن امکانات اطلاعاتی و مطالعاتی به جرح و تعدیل این دستاوردها پرداخته شده و حاصل نقد و بررسی اسناد و مدارک در یک آرشيو علمی فنی طبقه بندی خواهند شد. پس آنگاه آخرین نتایج علمی به عنوان گزارش قطعی هیأت علمی پژوهش تدوین و به سمع و نظر محافل و مراکز علمی می رسد. به هر روی این راه و رسمی است که در مطالعات آثار تاریخی باید مورد توجه قرار گیرد و در گسترش، آموزش و معرفی آن تلاش گردد تا نارساییها و نقایص تحقیقات یک جانبه بر طرف شود که اغلب از پژوهشهای شخصی مایه می گیرد. بی گمان در این راه کسانی می توانند به این تحقیقات گروهی مدد رسانند که نگاهی واقع بین، ذهنی درست اندیش و قوه تجزیه و تحلیل قوی داشته باشند.

اینک با سرآغاز به دو موضوع اصلی مقاله می پردازیم: یکی از دیدگاه کتیبه شناسی، دیگری از دیدگاه متون جغرافی - تاریخی.

### دیدگاه کتیبه شناسی:

بی گمان وجود کتیبه یا کتیبه هایی در مجموعه بنای تاریخی کنگاور موجب یاری دادن به پیشبرد شیوه های تحقیق می شود. کتیبه، به عنوان یک سند تاریخی مطمئن و قابل اعتماد، در این مجموعه هنوز کشف نشده و به عبارت دیگر هنوز جای کتیبه ای که حاکی از تاریخ و تقویم زمانی اثر تاریخی باشد خالی است. کتیبه ها در کاوشهای باستان شناسی بیش از سایر اسناد و مدارک نظرها را به سوی خود جلب می کند، زیرا در بیشتر موارد این کتیبه ها هستند که به مناقشات، برداشتها، و تعبیر گوناگون زمانی از یک اثر پایان می دهند. البته اینجا مقصود کتیبه ای متعلق به پیش از اسلام در اثر تاریخی کنگاور است.

به هر روی کتیبه همیشه سندی دست اول و شاهدهی مستقیم به شمار می آید و به این ترتیب نقش علم کتیبه شناسی برای اثر تاریخی کنگاور و بحثهای بی پایان و مجادلات بی ثمر به مبارزه بر می خیزد و این نوع مباحث و مجادلات را قاطعانه حل می کند. در قاموس پژوهشهای باستان شناسی «کتیبه» حکم اکسیر را دارد و به دوره ها و بخشهای مختلف تاریخ باستان کنگاور زندگی و روح می بخشد.

در اثر تاریخی کنگاور پس از به دست آوردن کتیبه ها همچون حضر که از حیث کتیبه ها بسیار غنی بوده نیاز به دسته بندی و گروه بندی کتیبه ها داریم زیرا هر کتیبه به تنهایی بخشی از اطلاعات را در اختیار ما قرار می دهد.

در اینجا باید نکته مهمی را خاطر نشان کرد و آن اینکه کارشناسانی مأمور کتیبه شناسی اثر تاریخی کنگاور باشند و در کنار «سکه شناسی» و «سفال شناسی» به استخراج اطلاعات تاریخی این اثر پردازند.

اگر به نتایج حاصل از کاربرد این روشها و متدها بنگریم، پی می بریم که آنها برای ما در حکم راهنما خواهند بود، زیرا به این ترتیب می توانیم به گونه ای بسیار روشن و بدون هیچ گونه ابهام و تردید دریابیم کدام نظریه در مورد این اثر صحیح و کدامیک اشتباه بوده است.

در بخش کتیبه شناسی اثر تاریخی کنگاور بنا به اظهارات «کامبخش فرد» سنگهای بسیاری منقور به خطوط و اسامی پهلوی ساسانی است که به قول ایشان در دوره سوم و هنگام بازسازی از اواسط دوران ساسانیان به بعد انجام شده و نوشته ها عموماً بر مبنای گزارش «کامبخش فرد» نام «پیروز» دارند. همین مرحله از کتیبه های منقور نیز نیاز به بررسی مجدد، طبقه بندی دقیق و تاریخ گذاری ویژه دارد.

سوالی که اینجا مطرح است اینکه چرا در اثر تاریخی کنگاور که به نام معبد مشهور شده کتیبه ای وجود ندارد؟ چرا در هیچکدام از تخته سنگها، و

تاریخی در حوزه های باستان شناسی حاصل شده که بدون گمان روز به روز کاملتر خواهند شد و محروم کردن این متدها در بررسی بنای تاریخی کنگاور ظلمی نابخشودنی به جهان پژوهشهای باستان شناسی به ویژه اثر تاریخی کنگاور خواهد بود. ما می توانیم این شیوه ها و متدها را بکار گیریم و به نتایج درخشانی نیز برسیم و به بازنگری در نظریات ارایه شده در خصوص این اثر تاریخی، بر اساس نقد و بررسی اسناد و مدارک و طبقه بندی علمی آنها بر محور مقابله و مقایسه پرداخت. ما در اثر تاریخی کنگاور یا مشکل: ۱- «تعیین هویت». ۲- «تاریخ گذاری بنا». ۳- «امتیاز بندی مواد و مصالح موجود در بنا». ۴- «طبقه بندی آثار بدست آمده». ۵- «سبک معماری». ۶- «کاربری اثر به عنوان معبد یا کاخ سلطنتی و یا موارد مشابه». ۷- زمان بندی ساخت و ساز». ۸- «چگونگی پلان و نقشه اصلی بنا». ۹- «عوامل تخریب بنا». ۱۰- «نقش دوره های تاریخی در شکل گیری و تخریب بنا» و دهها مورد دیگر مواجه هستیم که برای هیچ کدام از این موارد مذکور پاسخ دقیق درستی هنوز ارایه نشده است و اگر پاسخی هم به این موارد عرضه شده، بیشتر جنبه نظریات شخصی و برداشتهای محدود با اسناد و مدارک ناقص را داشته است که هیچ کدام وافی به مقصود نمی باشند. بنا بر این ضرورت ایجاد می کند که کارشناسان یا انواع روشها و متدهای علمی به موضوع اثر تاریخی کنگاور پردازند و در روزگاری که تکنیکهای بررسی آثار تاریخی با سرعت و آهنگی مدام شتابان در گرداگرد گسترش می یابند شگفت آور خواهد بود که محققان و پژوهشگران در کندوکاو آثار گذشتگان به این تکنیکهای گونه گون علمی روی نیاورند. جا دارد که در مراحل مختلف تحقیق و پژوهش علمی اثر تاریخی کنگاور از انواع تکنیکهای ذیل کمک گرفت:

۱) کتیبه شناسی. ۲) سکه شناسی. ۳) زمین شناسی. ۴) زلزله شناسی. ۵) متون تاریخی - جغرافی. ۶) کرونولوژی فنی و علمی و ادوار تاریخی. ۷) راه شناسی. ۸) قوم شناسی و مردم شناسی نوادی. ۹) لایه نگاری و چینه شناسی. ۱۰) زبان شناسی تاریخی و خط شناسی. ۱۱) سبک و فنون معماری (سبک شناسی بنای تاریخی). ۱۲) عکسهای هوایی و تفسیر و تبیین فنی آن. ۱۳) استفاده از روشهای الکترو مغناطیسی و الکتریکی کاوش. ۱۴) جانور شناسی، فسیل شناسی و استخوان شناسی (تجزیه میزان فلونور). ۱۵) اموال منقول تاریخی (تررجیحاً با گرایش فلزشناسی، سفال شناسی و شیشه شناسی). ۱۶) ابزار شناسی (فنون و تکنولوژی ابزار). ۱۷) گیاه شناسی. ۱۸) دین و آیین شناسی، اسطوره شناسی و مظاهر و نشانه های قطعی آن. ۱۹) مواد و مصالح شناسی. ۲۰) جغرافیا و محیط جغرافیایی اثر. ۲۱) تحلیل های تاریخی، سیاسی، دینی و مذهبی، اجتماعی و اقتصادی بر پایه اسناد و مدارک. ۲۲) آب شناسی و تأسیسات آبی و شبکه آبیاری. ۲۳) نشان شناسی (هرالدیک Heraldique) (دانش علائم، رموزها، نقوش، نشانه های اعتقادی و اسطوره ای دوران باستان). ۲۴) روشهای مرمت و نگهداری و حفاظت. ۲۵) مجسمه سازی و پیکر شناسی. ۲۶) البسه و منسوجات شناسی. ۲۷) گور شناسی و آیین ها و آداب تدفین. ۲۸) تصویر شناسی (عکس و طرح و نقاشی). ۲۹) تاریخ تحولات کالبدی بنای تاریخی. ۳۰) مهر شناسی (سیزیولوگرافی). ۳۱) دیرین شناسی گیاهی، جانوری، انسانی. ۳۲) بهره روری از ابزارهای نوین علمی همچون کامپیوتر و ماکت سازی. ۳۳) اسناد و مدارک کتبی (چرم نوشته ها، پوست نوشته ها و ...). ۳۴) انوماستیک یا نام شناسی تاریخی (شامل تریپونیمی مطالعه اسامی اماکن، هیدرونیمی مطالعه اسامی رودها، آنتروپونیمی مطالعه و بررسی اسامی افراد) (از فروغ زبان شناسی تاریخی). ۳۵) حجاری شناسی. ۳۶) ابزار و تکنیکهای انتقال و حمل و نقل مواد و مصالح بنای تاریخی.

طبقه بندی اسناد و مدارک و روشهای پژوهش، متناسب با دامنه و وسعت آنها تفاوت می یابند و لذا برای جمع بندی و اعلام نتایج قطعی هر

سنگ با علائم و نشانه‌ها یاد آور کمک و مساعدت شهروندان معتقد می‌باشد و بیانگر باورهای بنیادین مردم به آن‌هاست چرا در اصل بنا و در چهار چوب این اثر خبری از کتیبه میخی - یا پهلوی پارتی یا ساسانی نیست؟ گذشتگان با همه این کتیبه‌ها که در معابد و پرستشگاه‌های مذهبی بر جای نهادند به نیکی آموخته بودند که آن کتیبه برای آیندگان و برای حاضران از اهمیت والایی برخوردار است و نخستین چیزی که نظرهارا جلب می‌کند کتیبه است. چرا آن‌هاست در این موضوع خاموش است؟ حتی پرستشگاه‌های بسیار کم اهمیت تر مملو از سنگ نبشته است ولی آن‌هاست با این همه ارزش و عظمت تاکنون حتی یک کتیبه به خود ندیده است.

کتیبه‌شناسی اساس تحقیقات مورد اعتماد باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت که کتیبه‌ها حد و مرز نتایج علمی را نیز تعیین می‌کنند.

اغلب گفته شده که کتیبه‌ها به منزله «مراکز اسناد عهد باستان» محسوب می‌شوند و در حکم بایگانیهای اسناد عهد باستان می‌باشند. چرا در مرکز کنگاور و دفتر بایگانی آن یک سند نیز موجود نمی‌باشد. این موارد و مصالح عظیمی که در این بنا بکار رفته است مقتضی آن نبود که بر تخته سنگهای آن کتیبه‌ای کنده کاری شود.

در برخی موارد گفته‌اند کتیبه‌های باستانی به منزله «اعلانات و آگهی‌های زمان» ما بوده‌اند. بدون تردید کتیبه نگاری برای مردمان عهد باستان در حکم آگهی‌های رسمی عصرها بوده و برای تداوم و زوال ناپذیری آن این نوع آگهی را تا حد یک اعلان جهانی ارزش قایل بودند. همچنانکه کتیبه بیستون تاریخ زنده ۲۵۰۰ ساله ما را همچنان یادک می‌کشد بی‌گمان در پرستشگاه‌ها این اعلان جهانی اهمیتش بیشتر از مسایل سیاسی آن موقع بوده است، پس چرا معبد آن‌هاست در این موقعیت استثنایی فاقد چنین اعلان جهانی می‌باشد.

از دیدگاه «احکام افتخاری» به موضوع بنگریم. تقریباً در همه آثار برجسته تاریخی به ویژه معابد و پرستشگاه‌ها احکام و فرامین ساخت و ساز و تعمیر و مرمت این اماکن مقدس بر لوحه‌ها و تخته سنگها حکاکی می‌شد. چگونه شد که این اشتیاق کسب افتخارات خدمت به معبد و پرستشگاه‌ها در وجود انسانهایی که در طی ۱۰ قرن در کنار این معبد حضور داشته‌اند خاموش شد و یکدفعه رخت پرست. به قول آقای کامبخش فرد «این پرستشگاه از دهه پنجم و چهارم قبل از میلاد تا پایان دوره ساسانی به مدت یکهزار سال دایر بوده‌است»<sup>(۲)</sup>

چگونه شد در طی هزار سال ایرانیان هزاران کتیبه در جاهای مقدس و غیر مقدس حک کردند، اما در آن‌هاست هیچ اثری از خود برجای نهندند آیا اینان تحت تأثیر شکوه و جلال بنیادهای خود قرار نگرفتند؟

اگر این پندار را باور کنیم که واژه پیروز که بر برخی از لاشه سنگهای دیوار شرقی جنوبی حک شده از سوی «پیروز» شاه ساسانی در سده ۵ میلادی بوده و معبد را بازسازی و احیاء کرده است پس چرا شاه ساسانی خود کتیبه‌ای متناسب این تعمیر و مرمت بر جای نهد. اینان که مشکل کتیبه نگاری نداشته‌اند زیرا صدها دلیل گواه است که مانعی بر سر راه نداشته‌اند پس چه شد که یکدفعه این اعتقاد بر باد رفت.

چرا حکومت‌های هخامنشی و پارتی و ساسانی که اغلب درباره محل بناهای عمومی اعم از مذهبی و غیر مذهبی تصمیم می‌گرفتند و برای ثبت و ضبط حوادث و وقایع مهم اقدام به کتیبه نویسی می‌نمودند و امتیاز و افتخار را برای فخر و مباهات به نام خود می‌کردند در این بنای عظیم هیچگونه نقش عمده و برجسته‌ای ایفا نکردند؟ کتیبه تقریباً همیشه سندی دست اول و شاهدی مستقیم و زبانی گویا برای هر اثر بشمار می‌آید خواه به صورت سنگ نبشته بر گور باشد یا بر ستون کاخها و معابد و یا بر دیوار و یا بر لاشه سنگ. وانگهی بر خلاف رسم و رسوم زمانه، صاحبان و

ستونها و پایه ستونها و پلکان‌ها همانند تخت جمشید در ایران یا حضر در عراق کتیبه‌ای نقر نشده است؟ آیا چیزی بهتر از کتیبه می‌توانست تداوم تاریخی آن را تثبیت کند؟ البته سهم کتیبه در شناسنامه تاریخی آن بسزاست و تنها از طریق کتیبه قادر خواهیم بود حرف آخر را در زمینه این اثر ابراز نماییم، و اختلاف نظرهارا را تقلیل دهیم. در نتیجه، یک اثر تاریخی بویژه اگر صبغه «دینی و معبدی» آن را نیز بپذیریم بر انتظار ما می‌افزاید که بدون کتیبه بودن آن را نمی‌توان نادیده گرفت. از سوی دیگر اطلاع رسانی کتیبه‌ها به گونه‌ای است و از چنان غنایی برخوردار می‌باشد که سایر اسناد و مدارک، متون در مقایسه با آن اصلاً اهمیتی ندارد. برای نمونه وجود ۳۰۰ کتیبه در حضر (هتر) نزدیک به نود درصد تاریخ این شهر را روشن کرده است و لذا در مورد اثر تاریخی کنگاور نیز تنها کتیبه‌ها می‌توانند پاسخگوی دقیق و مطمئنی برای پرسشهای بیشمار باشند. البته شیوه مطالعه و بهره‌برداری و راه استفاده از کتیبه‌ها را باید دانست و آموخت. و استفاده نابجا و غلط از کتیبه نتیجه معکوس خواهد داشت که اینجا جای تفصیل آن نیست.

توالی و ترتیب زمانی آثار و محوطه‌های باستانی به مدد اسناد و مدارک مختلفی، مدلل می‌گردد که بر حسب موضوع سند به ما امکان می‌دهد که در «تاریخ گذاری» اثر و شناسنامه آن، از اشتباهات برداشتها و تخیلات بدور بوده و قطعیت و ظن قریب به یقین دوره تاریخی را معین کنیم؛ از آن جمله هستند: کتیبه‌ها، سکه‌ها و اموال منقول. همواره در مورد آغاز دوره تاریخی و زمان سنجی یک اثر باستانی بدون اسنادی همچون کتیبه، سکه و سایر مدارک مستند با مانع و مشکلات و پیشداوری‌ها و نظراتی مواجه خواهیم بود و به این دلیل یکی از زنده‌ترین سندها برای هر اثر تاریخی «کتیبه» یا سنگ نبشته است.

کتیبه‌های باستانی از موضوعات متنوع و مختلفی برخوردارند: مذهبی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، دعا، نفرین و...

اگر فرض بر آن باشد که بنای تاریخی کنگاور «معبد آن‌هاست» و به قول خاراکسی «معبد آرتمیس»، انتظارات ما از دیدگاه کتیبه‌شناسی از این معبد چه خواهد بود؟

حداقل بر اساس تجربیات، مدارک موثق سایر معابد دنیا، وجود کتیبه‌هایی با مضامین مذهبی است. آقای کامبخش فرد با آنکه در کاوشهای باستان‌شناسی به کتیبه‌ای دست نیافتند، اما همه سنگهایی که دارای علائم و نشانه‌های گوناگون (حدود ۲۰۰ علامت و اسم) بوده یک رنگ و صبغه دینی و مذهبی به آن دادند و اعلام کردند این علائم و نشانه‌ها چیزی جز نذورات مردم نبوده است. وی در کتابش می‌نویسد: «وجود این مجموعه نقشها بر پشت سنگهای غیر حجاری مبین آن است که احداث پرستشگاه‌ها در دوره هخامنشی و پارتی و ساسانی کمک و شرکت گسترده و نذورات مردم را طلب می‌کرده است»<sup>(۱)</sup>

موضوعاتی که در کتیبه‌ها ذکر می‌شود بیشتر موارد ذیل است:

- ۱- نیاز و دعا. ۲- قواعد و مقررات مذهبی. ۳- تقدیم هدایا و قربانیها.
- ۴- تاریخ ساخت و تعمیر و مرمت بناهای معبد. ۵- سروده‌های مذهبی.
- ۶- تمسک و توسل به خدایان و بتها. ۷- یاد و ذکر خدایان.

اینک این سؤال مطرح است چند کتیبه از این انواع در معبد آن‌هاست کشف شده؟ معمولاً محل این کتیبه‌ها کجاست؟ چرا در شکوفاترین دوره معبد هیچ اثری از کتیبه نگاری وجود ندارد؟

این همه ادعای «معبد بودن» و این همه اطلاع رسانی به مردم که اینجا «پرستشگاه» است و «معبد» است و از اماکن متبرکه! چرا تاکنون کتیبه‌ای یافت نشده است! آیا ارزش و اهمیت این معبد از معبد شاماش یا معبد خورشید حضر کمتر است؟ چرا آنجا ۳۰۰ کتیبه هست ولی اینجا یک کتیبه وجود ندارد؟ چرا آنجا تمام کتیبه‌ها تقریباً مضمون دینی و مذهبی دارند ولی اینجا معبد آن‌هاست! عرضه یک کتیبه عاجز است! اگر آوردن چند لاشه

در حاشیه این سنگ قبر آیات ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران کنده کاری شده است. آقای کامبخش فرد نوشته‌اند آیه ۱۶ و ۱۷، حال آنکه آیه ۱۸ و بخشی از آیه ۱۹ سوره آل عمران است.

متن کتیبه: بسم الله الرحمن الرحيم - شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولو العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم (۱۸) ان الذين عند الله الاسلام (۱۹).

در وسط سنگ قبر نوشته: «هَذَا قَبْر...» که کلمات دیگر آن هنوز مشخص نشده است و لذا بایسته است پس از بازخوانی با دقت بیشتری در خصوص نام و نشان صاحب قبر تحقیق و پژوهش شود.

## دیدگاه متون تاریخی - جغرافی

الف: متون پیش از اسلام

در زمینه اثر تاریخی کنگاور معبد آن تنها متنی که پیش از اسلام صریحاً از آن یاد کرده کتاب جغرافیایی «ایستگاههای پارتی» تألیف «یزیدور خاراکسی» است که گزارشهای آن جهت تبیین جغرافیای ایران باستان از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. خاراکسی در بند ششم ایستگاههای پارتی می نویسد:

«از همین جا از باگستانا (بیستون) تا «مادابالا» ۳۸ سخونی می باشد. و در فاصله اولین ۳ سخونی شهر کونکوبار واقع شده است. و در آنجا معبد آرتیمیس<sup>(۴)</sup> وجود دارد که فاصله اش ۳ سخونی است.

پس از آن خانه «بازیرگربان» (محل باجگیری) که مرکز گمرکی می باشد وجود دارد و فاصله اش ۳ سخونی است. بعد از آن منطقه مسکونی شاهانه «ادراپانا» واقع شده که مخصوص سکونت کسانی است که در باتانا (اکباتان) حکمرانی می کنند و بدست تیگرانس پادشاه ارمینیا [۹۶-۵۶ ق-م] ویران شد.

و فاصله اش ۴ سخونی است پس از آن شهر اکباتان واقع شده است که یکی از شهرهای عمده ماد محسوب می شود. همچنین در این شهر گنجینه و معبدی که موقوف آنائیتس - [آناهیتا] است نیز موجود است، همچنین در این معبد است که قربانیها همیشه تقدیم می شود و فاصله اش ۱۲ سخونی است و پس از آن محل ۳ روستا وجود دارد که دارای برخی ایستگاهها می باشد.<sup>(۵)</sup> از گزارش خاراکسی به نتایج ذیل دست پیدا می کنیم:

(۱) معبد آرتیمیس در کونکو بار واقع شده است و نامی از آناهیتا نبرده است و دیگران بر آناهیتا تطبیق کرده اند. سؤال اینجاست که فرق آرتیمیس و آناهیتا چیست؟ خاراکسی در متن یونانی بر جای مانده بین این دو تفاوت قایل است. چرا؟ دانش اسطوره شناسی بایسته است به این سؤال پاسخ گوید. به چه دلیل معبد گونکوبار را آناهیتا نامیدند حال آنکه در کهن ترین متن جغرافیایی (متن خاراکسی) آرتیمیس ثبت شده است. آقای کامبخش فرد بدون توجه به متن خاراکسی و بدون ارایه سند و مدرک تاریخی با استناد بی مورد به متن خاراکسی این اثر تاریخی را «معبد آناهیتا» نامیده است.<sup>(۶)</sup>

(۲) خاراکسی نوشته در شهر اکباتان گنجینه و معبدی که موقوف آنائیتس (آناهیتا) است نیز موجود است و لذا معبد آناهیتا در همدان بوده نه در کونکو بار و نوشته در این معبد است که قربانیها همیشه تقدیم می شود.

(۳) در متن خاراکسی به ویرانی ادراپانا (اقامتگاه سلطنتی) که همان اسد آباد فعلی است به دست تیگران اول (۹۶ - ۵۶ ق.م) پادشاه ارمستان اشاره شده، حال آنکه آقای کامبخش فرد نوشته: «تخریب و تعطیل و آتش سوزی این پرستشگاه در پایان دوره پارت نیز در همین جهت بوده تا نامی از آنها در تاریخ باقی نگذارد و شاید هم بنا به نوشته خاراکسی این آتش سوزی را تیگرانس انجام داده باشد»<sup>(۷)</sup> کجا در متن خاراکسی به آتش سوزی معبد کنگاور اشاره شده است؟

آقای کامبخش فرد کسانی را که این اثر تاریخی را معبد نمی دانند

بانیان اصلی معبد آناهیتا آیندگان را از چنین سند و شاهد مستقیمی محروم کرده اند.

آیا این سهل انگاری را می توان توجیه کرد؟ آیا این قابل بخشش است؟ آیا قابل دفاع خواهد بود که معبد با این همه عظمت ظاهری و باطنی فاقد کتیبه باشد؟

علم کتیبه نگاری همواره تاریخ آثار و بناها را زنده خواهد کرد و به همه اختلافات و برداشتهای گوناگون پایان می دهد، چه شد این معبد در طی هزار سال چنین کتیبه ای را از خود دریغ داشت؟

ما درباره نظام و قوانین و دولت شهرهای یونانی به استثنای آتن و اسیرات تمامی اطلاعات خود را مدیون کتیبه ها هستیم و در بین النهرین و ایران نیز از این حیث دست کمی از یونان نداریم چه شد که هرگز کتیبه ای در این محوطه باستانی نگاشته نشد.

اینک که جواب معبد آناهیتا به این پرسشها و مشابه آن ساکت و خاموش است علم کتیبه شناسی به این نتایج دست می یابد:

۱- تردید در معبد بودن؛ این اثر «از حیث کتیبه شناسی» علی رغم ادعای خاراکسی که گوید معبدی به نام آرتیمیس اینجا بوده است، به چه معلوم که محلش همین جا باشد و اصلاً چرا معابد آناهیتا در سرتاسر ایران پراکنده بودند، این اندازه بزرگ و با این شیوه و سبک معماری ساخته می شدند. باستان شناسان باید برای این پرسش پاسخ مناسبی پیدا کنند. آیا معبد آناهیتای همدان نیز همچون کنگاور با این نوع ستون و سرستون و لاشه سنگهای عظیم ساخته می شد؟ چرا و چگونه؟

۲- علم کتیبه شناسی اظهار می دارد با توجه به اسناد و مدارک دیگر، تا کتیبه هایی حاکی از ساخت و ساز و مرمت و موضوع اثر و کاربری آن بدست نیاید با سایر اسناد و مدارک نمی توان هویت اصلی این اثر را مشخص کرد و حداقل در علم کتیبه شناسی، کتیبه سند دست اول و مستقیم است. ولی در سایر اسناد و مدارک به استثنای سکه و چرم نوشته، غیر مستقیم به آثار و شواهد دست می یابیم.

۳- بنای تاریخی کنگاور هنوز در آغاز کاوشهای باستان شناسی بسر می برد و هنوز به جواب کامل تکنیکهای علمی گوناگون که در آغاز مقاله از آنها یاد شده، دست نیافته است. لذا کتیبه شناس منتظر نتایج کاوشهای باستان شناسی ژئوفیزیکی، زلزله شناسی و ... می ماند تا به سر حد یقین برسد که کتیبه ای کشف خواهد شد یا خیر! و اگر زلزله عظیم در این بنا رخ داده، هنوز انتظاری بی جا نخواهد بود که برای کشف کتیبه ای چشم به بنای تاریخی کنگاور دوخته تا شاید بخت یار گردد و در این راه فرجی حاصل شود و اطلاعاتی مستند و زنده ارایه گردد.

۴- علم کتیبه شناسی بر این باور است که هیچ سند و مدرکی در یک اثر باستانی بی اهمیت و بی ارزش نباید تلقی شود و همگی حاوی اطلاعات و پیام رسانی تاریخی - اجتماعی خواهند بود اما کتیبه را منحصرأ، مطمئن ترین سند زنده هر اثر می داند هر چند نتایج سکه شناسی، باستان شناسی و سایر موارد را نیز صحنه می گذارد، لذا خاطر نشان باید کرد که اسناد و مدارک بدست آمده اگر چه در رفع کمبودهای اطلاع رسانی بسیار ارزشمندند ولی کافی نیستند. بنابراین اظهار نظر قطعی بدون کتیبه ها در زمینه تاریخ ساخت و ساز و موضوع اثر تاریخی منجر به تشویش آراء و اختلاف نظر بین صاحبان مدارک خواهد شد. در علم کتیبه شناسی غالباً اظهار نظر بدون تحلیلها و پیشدوریها انجام می گیرد و این در کتیبه خوانی بسیار مشهود و آشکار است، مگر دانش کتیبه خوان موجب بی ارزشی کتیبه شود و الا متن کتیبه خود گویای همه حقایق خواهد بود.

و اما در دوره اسلامی: آقای کامبخش فرد نوشته اند «یکی از سنگ قبرهای کشف شده در محوطه دوره سلجوقی معبد ناهید مربوط به زنی بنام مهملک است».<sup>(۳)</sup>

پلی به قصرالصمص می‌رسد. این کاخ و ایوان خسروان است که از گچ و آجر ساخته شده. این قصر بر قریه‌ای مشرف است و در داخل ایوان آن حجره‌هایی دارد. از قصرالصمص تا خندان هفت فرسخ است. راهش پر از فراز و نشیب است و منطقه ترسناکی است. زیرا اطراف آن مسکن راهزنان است و سپس راه به کشتزارها و مزارعی منتهی می‌شود، از پلی عبور می‌کند، در آنجا ایوانی است که از ساخته‌های خسروان است به نام ایوان الضح معروف است.» (۱۲)

۳) البلدان: ابن فقیه (ابوبکر احمد بن محمد اسحق همدانی) - ۲۹۰ هـ. ق.

گفتار در باره کرمانشاهان:

«و در قصر دزدان، بنایی شگفت و ستونهای استوار افتاده است.» (۱۳) گفتار درباره همدان:

«و ایوان مدائن و تخت شبدیز و بهستون (بغستان) و ستونهای قصر دزدان و طاق تبنا بر همدان و ماهی و گاو نهانند و شگفتیهای رومیه و نیل رومیه و مناره، ذات الحوافر در همدان، و جز اینها از شگفتیهایی که شمارش نشوند. فتبارک الله احسن الخالقین.» (۱۴)

گفتار درباره اصفهان:

«گویند هیچ بنایی از گچ و آجر، شکوهمندتر از ایوان کسری نیست در مدائن، هیچ بنایی سنگی، زیباتر از قصر شیرین نیست. هیچ ستونی شگفت‌انگیزتر از ستونهای قصر دزدان نیست. هیچ طاقی دل‌انگیزتر از طاق شبدیز نیست. و هیچ بنایی از خشت و گل، خوش‌منظرتر از دنیای تمپور - روستایی در اصفهان - نیست.» (۱۵)

### پی‌نوشت

۱) کامبخش فرد، سیف‌الله؛ معبد آناهیتا؛ کنگاور، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۷.

۲) کامبخش فرد، سیف‌الله؛ شکل‌گیری معبد آناهیتای کنگاور در بستر تاریخ، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج ۱)، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۳۲.

۳) کامبخش فرد، سیف‌الله؛ «معبد آناهیتا؛ کنگاور»، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۰ - ۳۱۱، شکل ۱۰۱۰.

۴) آرتمیسیس، خدای یونانی که با دیانای رومیان مشابه است. دختر لیتو و زئوس و خواهر توأم آپولون. دارای معابد در یونان و یکی از خدایان حاصلخیزی و باروری.

۵) خارا کسبی، ایزیدور؛ «ایستگاههای پارتی»، مترجم: فیروز حسن عزیز (به کوشش نادر کریمیان سردشتی)، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷، صص ۲۴ - ۲۳.

۶) کامبخش فرد، سیف‌الله؛ «معبد آناهیتا؛ کنگاور»، ص ۱۳ و ۲۳.

۷) همان، ص ۱۳.

۸) همان ص ۶

۹) همان، ص ۱۵.

۱۰) کامبخش فرد، سیف‌الله؛ مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۱، ص ۳۲.

۱۱) ابن خردادبه؛ المسالک و الممالک، ترجمه دکتر حسین قره چانلو (از روی متن خویه)، تهران، ناشر: مترجم، ۱۳۷۰، ص ۲۰.

۱۲) ابن رسته، احمد بن عمر؛ الاعلاق النقیسه، ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۹۶.

۱۳) ابن فقیه؛ البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۹، ص ۳۴.

۱۴) همان، ص ۸۹

۱۵) همان، ص ۱۰۲

تخطئه کرده است و به گزارش دکتر مسعود آذرنوش می‌تازد و می‌نویسد: «نامبرده [آذرنوش] طی مقاله خود از ابتدا تا انتها راجع به مجموعه گزارش داده است که در اثر شتابزدگی نتیجه مجعول و نادرستی آرایه کرده است.» (۸) وی سپس در تعلیقات مقدمه کتاب «معبد آناهیتا؛ کنگاور» توضیح می‌دهد: «او در این نوشته معبد ناهید را کاخ خسرو پرویز معرفی کرد. اطلاق و عنوان کاخ و قصر خسرو پرویز به بنایی جا افتاده و شهره در تاریخ که بنا به مدارک نوشته ایزیدور خارا کسبی پرستشگاهی مخصوص و منحصر به آرتمیسیس ایزدی یونانی و مشابه و برابر با آناهیتای ایرانی است، اندیشه‌ای نادرست و دور از واقعیت‌ها و اشارات تاریخی بوده است.» (۹)

کامبخش فرد در آخرین مقاله خود در باره بنای تاریخی کنگاور با عنوان «شکل‌گیری معماری معبد آناهیتای کنگاور در بستر تاریخ» نوشته: «جغرافیایونیسان و مورخان تازی و پارسی با توصیف فراوان از حجاری‌های عظیم بنا، ایوانها و رواق ستوندار، آن را ایوان خسرو و کاخ پرویز و قصر شیرین معشوقه خسرو و قصرالصمص و غیره ثبت نموده‌اند بعضی از افراد این زمانه [منظور ایشان لوکونین و دکتر مسعود آذرنوش] تحت تأثیر این روایات و توصیفات نیز چنین پنداشته‌اند بی هیچ اندیشه و سندی از باستان‌شناسی، و صرفاً پذیرش همین پندارها؟» (۱۰)

ما در توضیح ایشان می‌گوییم اگر بالفرض اینان به استناد مدارک تاریخی، اثر تاریخی کنگاور را کاخ و قصر نامیده‌اند، با آنکه مستندات اینان علاوه بر مدارک تاریخی، کاوشهای باستان‌شناسی و مطالعات مقایسه‌ای معماری و مدارک دیگر نیز در اظهار چنین رأیی نقش عمده را داشته‌اند و تنها به استناد مدارک تاریخی پس از اسلام که به قول کامبخش فرد «پندارهایی» بیش نیستند اکتفا نمودند خود آقای کامبخش فرد بر اساس یک مدرک تاریخی [تنها یک مدرک] به این اثر به اشتباه نام «معبد آناهیتا» [در اصل معبد آرتمیسیس] داده است.

البته می‌توان ارزیابی کرد که قضاوت ایشان یکجانبه بوده و مهمترین دلیل وی نیز متکی به روایات تاریخی است لذا نمی‌توان اینگونه پنداشت که گزارش خارا کسبی موثق و قطعی است ولی گزارش مورخین و جغرافی دانان ایرانی - اسلامی «پندار» بوده است زیرا این به معنی نادیده گرفتن زحمات تمام مورخین و جغرافی دانان گذشته که صدها گزارش کسانی همچون آقای کامبخش فرد مدیون نگاهشده‌های آنان است و لذا منطبق علم بی‌اعتبار کردن گزارشهای تاریخی را وقتی می‌پذیرد که از حیث «سند» و «متن» مخدوش باشند.

به هر روی از گزارش ایزیدور خارا کسبی در باب این اثر مهم تاریخی نتیجه می‌گیریم که معبدی در «کنکوبار» [کنگاور فعلی] به نام «آرتمیسیس» به سال ۳۷ میلادی برپا بوده است ولی در اینکه این اثر تاریخی همان معبد آرتمیسیس است جای چند و چون زیاد است، و اگر این محل، معبد آرتمیسیس نبوده در جای «کنکوبار» آثار معبد آرتمیسیس را باید جستجو کرد، دیگر اینکه اگر این همان معبد آرتمیسیس است که خارا کسبی از آن خبر داده کدام دلایل سبک معماری، آثار منقول، مدارک باستان‌شناسی این موضوع را تأکید و تأیید می‌کنند.

کنگاور در متون تاریخی - جغرافی بعد از اسلام

۱) المسالک و الممالک: ابن خردادبه - سال ۲۵۰ هـ. ق  
«از دکان تا قصرالصمص هفت فرسخ، از قصرالصمص تا خندان هفت فرسخ، از خندان تا گردنه همدان، و از آنجا تا ده غسل سه فرسخ، از ده غسل تا همدان پنج فرسخ است.» (۱۱)

۲) الا علاق النقیسه: ابن رسته (احمد بن عمر) سال ۲۰۹ هـ. ق

«از دکان تا قصرالصمص (قصر دزدان یا کنگاور) هفت فرسخ است. راه فراز و نشیبی دارد که از میان کوهها گذشته تا به پل نعمان و قریه نعمانیه می‌رسد. سپس تا تپه مادران ادامه می‌یابد. در چپ این راه مزارع دیمی قرار دارد و از آنجا راه به انتهای دره‌ای منتهی می‌شود. پس از گذشتن از